

پرواز در باد

واکاوی درونی مفهوم استقلال و جسارت در **دختری که سوار باد شد**

ادبیات نوجوان

بهار خسروی

گروه کتاب

دوران نوجوانی، ایستگاهی در میانه راه زندگی محسوب می‌شود؛ مرز یاریکی میان کودکی که رویا می‌بیند و آرزو در سر می‌پروراند و بزرگسالی که باید برای تحقق آن رویاها و آرزوها مبارزه کند تا به هدف برسد. در این سن و سال پرهیجان، دیگرآرزوها تصویریایی در ذهن نیستند، بلکه به ندایی تبدیل می‌شوند که شاید شب و روز رهایت نکنند و خارج از کالبد ذهنت جریان پیدا کنند. نوجوانان اغلب در چهارچوب‌های امن و پیش‌بینی‌پذیر خود جای گرفته‌اند اما گاهی از میان آنها کسی پیدا می‌شود که فراتر از این چهارچوب‌ها قدم می‌گذارد، به آرزوهایش پرو بال می‌دهد و به سمت آنها حرکت می‌کند. او در این مسیر ممکن است با دیواری از مخالفت‌ها یا نشدن‌ها هم روبه‌رو شود. هرچند که رسیدن به هر آرزویی بهای خودش را هم دارد؛ نوجوانی که تصمیم می‌گیرد برخلاف جریان تحمل‌شده خانواده و جامعه خود، برای خواسته‌اش تلاش و روی آن پافشاری کند، در میانه مسیر می‌فهمد که باید بهایی هم بپردازد؛ بهایی آن شاید گذشتن از راحتی، تأیید شدن توسط دیگران باشد، یا تنها ماندن در مسیر خودخواسته‌اش، گاهی هم بهای آن، چشم‌پوشی از لذت‌های روزگذر برای رسیدن به هدف است.

لولا، شخصیت اصلی کتاب «دختری که سوار باد شد» از آن نوجوان‌هایی است که پایش را فراتر از چهارچوب‌های خانواده و جامعه خود می‌گذارد و به دنبال رویاهای خود می‌دود. او عاشق سوارکاری است اما پدرش می‌گوید باید دکتر، وکیل یا… شود، اما او می‌گوید: «نمی‌دانستم باهوش بودن گناه است»، «آخراو عاشق اسب است و دوست دارد سوارکار بشود، اما پدرش به هیچ وجه راضی نمی‌شود. یک روز که لولا به خاطر دوایش در مدرسه چند ماه تعلیق می‌شود،

شده است. این مجموعه کتاب با

سه مجلد «مرگ عجیب دو پدِر» و «چه کسی در تاریکی ایستاده؟» و «ارتش مردگان» به بازار نشر راه پیدا کرده که با موضوعاتی همچون مرگ، نسبت‌های خانوادگی، حقیقت‌های پنهان، نجات انسان‌های کره زمین و کمک به بشریت سروکار دارد. داستان فقط درباره یک حادثه و اتفاق نیست، بلکه این کتاب سه جلدی به این می‌پردازد که مرگ چگونه لایه‌های پنهان روابط خانوادگی، گذشته‌های سرکوب‌شده و زخم‌های قدیمی را آشکار می‌کند. روایت آرام پیش می‌رود، شخصیت‌پردازی خوب، توجه به جزئیات احساسی و ذهنی و همچنین رفت‌وآمد میان گذشته‌ها و حال از مهم‌ترین ویژگی‌های این مجموعه داستانی به شمار می‌رود. سجاد خالقی متولد سال ۱۳۶۴ در شهر نافج از توابع شهرستان شهرکرد است. تحصیلات خود را در رشته کارشناسی ارشد نویسندگی رادیو به پایان رسانده، ۱۴ سال در عرصه نویسندگی فعالیت دارد و در بخش نویسندگی رادیو و تولید محتوا مشغول است. از آثار تألیفی او در حوزه ادبیات نوجوان می‌توان به «گل‌دیمر»، «پسر سایه‌ها»، «یکی مرد جنگی»، «امه و سوده»، «ظلمت سفید»، «روز داوری» و … اشاره کرد.

مرگ گاهی پایان یک داستان نیست، بلکه سرآغاز کشف رازهای هولناک و بزرگی است که سال‌ها در پشت ابر پنهان مانده‌اند، اما ماه همیشه پشت ابر نمی‌ماند و حقایق بالاخره روشن می‌شوند. گاهی رمان مخاطب خود را به سفری در اعماق یک فضای روان‌شناختی تاریک و البته پراز شگفتی می‌برد؛ فضایی تلخ، رازآلود و معماگونه که خواننده با ورق زدن صفحه آن باید به حقیقتی دست پیدا کند که نویسنده با زیرکی در پس یک قصه جذاب و پرکشش پنهان کرده است. نوجوانان



«دختری که سوار باد شد» درباره خودشناسی، دنیال‌کردن رویاها و ایستادن پای خواسته‌ها یا وجود هر سختی و مخالفتی است؛ روایتی از زندگی یک نوجوان و واکاوی درونی مفهوم استقلال و جسارت.

فراتر از کلیشه‌های نوجوانانه

نویسنده با نثری روان، ساده و همدلانه با مخاطب خود ارتباط می‌گیرد و به بیان قصه می‌پردازد. او با این شیوه نوشتاری توانسته کلیشه‌های نوجوانان را در قالب یک اثر تأمل‌برانگیز به مخاطب ارائه کند. به خاطر سبک نگارش و نگاه همدلانه نویسنده، خواننده به خوبی با احساسات لولا ارتباط می‌گیرد و در ادامه داستان با او همسو و همراه می‌شود.

مادربزرگش تصمیم می‌گیرد او را با خود به زادگاهش «سی‌ینا» در ایتالیا ببرد. این سفر، آغاز مسیر تازه‌ای برای لولا می‌شود؛ مسیری که او را با ریشه‌های خانوادگی، آرزوهای شخصی و معنای واقعی شجاعت و جسارت روبه‌رو می‌کند. لولا در این جابه‌جایی، درگیر ماجراهایی می‌شود که او را به سمت میدان مسابقه و تکرار تاریخ می‌کشاند.

«دختری که سوار باد شد» نوشته استیسی گرگ و ترجمه معصومه رستم‌زاد در نشر آفرینگان (گروه انتشاراتی ققنوس) به چاپ رسیده و برای نوجوانان و مخاطبانی مناسب خواندنی است که به داستان‌های احساسی، الهام‌بخش و خانوادگی علاقه دارند. کتاب در رده سنی نوجوان دسته‌بندی شده است، اما به خاطر روایت داستانی مؤثر، اطلاعات تاریخی و فرهنگی مناسب آن، برای بزرگسالانی که به داستان‌های ماجراجویانه و احساسی علاقه دارند هم جذاب خواهد بود. این اثرقصه‌ای درباره خودشناسی، دنبال‌کردن رویاها و

استقلال فردی با خانواده هم محسوب می‌شود؛ جدالی که در این سن و سال پرهیجان برای همه نوجوانان در محیط خانه و حتی مدرسه رخ می‌دهد. یکی از نقاط قوت ساختاری داستان دوری از دوگانگی خیر و شر لولا ضدقهرمان یا شخصیت منفی یا خوب مطلق تلقی نمی‌شود. پدر لولا ضدقهرمان یا شخصیت منفی داستان معرفی نمی‌شود، بلکه او در چهارچوب افکار خود برای فرزندش بهترین‌ها را آرزو داشته و سعی در راهنمایی و هدایت فرزندش دارد؛ این نگاه واقع‌بینانه به روابط خانوادگی، عمق و باورپذیری داستان را بالاتر

می‌برد، چرا که همه نوجوانان در برهه‌ای از زندگی خود با چنین مسائلی دست و پنجه نرم می‌کنند.

قدم زدن در سنگفرش‌های ایتالیا

«دختری که سوار باد شد» یک داستان تخیلی نیست و تاریخ مسابقات «پالیو» و فرهنگ محلی لولا ضدقهرمان یا شخصیت منفی یا خوب مطلق تلقی نمی‌شود. پدر لولا ضدقهرمان یا شخصیت منفی داستان معرفی نمی‌شود، بلکه او در چهارچوب افکار خود برای فرزندش بهترین‌ها را آرزو داشته و سعی در راهنمایی و هدایت فرزندش دارد؛ این نگاه واقع‌بینانه به روابط خانوادگی، عمومی او نیزافزوده شود. خواننده در طول خوانش این کتاب احساس

نویسنده پرفروش نیوزیلند

استیسی گرگ (Stacy Gregg) زاده ۱۹۶۸، نویسنده‌ای اهل نیوزیلند است. یکی از زمان‌های معروف او با نام «نه دختر» در فضای اجتماعی پرتلاطم دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی در نیوزیلند می‌گذرد و موفق به دریافت جایزه کتاب سال مارگارت ماهی و جایزه استرگلن برای داستان نوجوان، در جوایز کتاب نیوزیلند برای کودکان و نوجوانان شده است. او سومین نویسنده پرفروش تاریخ بخش کودکان هارپرکالینز نیوزیلند پس از دیوید والیمر و دکتر سوس به شمار می‌رود. مجموعه محبوب او «رازهای باشگاه اسب‌سوار» بیش از ۱.۵ میلیون نسخه به زبان انگلیسی در سراسر جهان فروخته و بعدها الهام‌بخش ساخت سریال تلویزیونی شد که در سه فصل ادامه پیدا کرد. اولین کتاب مستقل او «شاهزاده و کره‌اسب» در سال ۲۰۱۳ منتشر شد و براساس زندگی واقعی شاهدخت «حیا بنت الحسین» از اردن نوشته شد؛ استیسی گرگ برای نگارش آن به کا‌گاه و اصطبل‌های سلطنتی اردن سفر کرد و پس از آن برای پژوهش آثارش به کشورهای



می‌کند در کوه‌های سنگفرش شده ایتالیا قدم می‌زند، چرا که نویسنده توصیف دقیق و مناسبی از شهر سی‌ینا در ایتالیا و حال و هوای مسابقات پالیو آورده است. او به خوبی توانسته هیجان، استرس، اضطراب و شکوه این مسابقه تاریخی که در میدان اصلی شهر برگزار می‌شود را به تصویر بکشد. در بخش‌هایی که صحنه‌های مسابقه توصیف می‌شوند، ضرباهنگ داستان تندتر و هیجان‌انگیزتر می‌شود، این در حالی است که در بخش‌های مربوط به تحقیقات لولا، روایت کمی کندتر پیش می‌رود، این تضاد ممکن است در میانه کتاب خواننده را خسته کند و آن

اسپانیا، ایتالیا، فرانسه، آلمان، روسیه و ایسلند نیز سفر کرده است. استیسی گرگ با دریافت جوایز متعدد و موفقیت‌های ادبی و تلویزیونی، جایگاهی برجسته در ادبیات کودک و نوجوان به دست آورده است. او علاوه بر نویسندگی در نگارش فیلمنامه نیز فعالیت دارد.

معصومه رستم‌زاد مترجم کتاب «دختری که سوار باد شد» دارای لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی است و ۱۵ سال به عنوان مدرس و مسئول بخش زبان انگلیسی در مدارس دولتی‌بهانه با کودکان و نوجوانان کار کرده و بعد از آن به ترجمه مشغول شده است. اولین ترجمه او «تعطیلات با ابوقرقاشه» نامزد هفتمین جایزه ادبی پروین اعتصامی در سال ۱۳۹۵ شد و برای این ترجمه تقدیرنامه دریافت کرد. همچنین ۱۷ لاک پشت پرنده به کتاب تعلق گرفت. از دیگر آثار ترجمه شده او می‌توان به «شاهزاده خانم و کره اسب»، مجموعه داستان‌های «ماجراهای بزی پرستار»، «بازی گردان»، «اسب آدرخش» و … اشاره کرد.

اشتیاق اولیه را از او بگیرد. همچنین برخی گره‌های داستانی و پایان‌بندی تا حدی قابل پیش‌بینی است و شاید غافلگیری برای مخاطب به همراه نداشته باشد. البته این شیوه در بسیاری از رمان‌های نوجوانانه وجود دارد، معمولاً مشکلات و موانع در کتاب‌های این رده سنی کمی ساده‌تر از واقعیت حل می‌شوند. اسب در این اثر قدرت و رهایی روح نوجوان را به تصویر می‌کشد، همانقدر بی‌پروا، جسور و رها، همچون لولا که با سوار شدن بر اسب، در واقع بر ترس‌ها و محدودیت‌های تحمیل‌شده‌اش مقابله می‌کند و با جسارت و شجاعت در دل باد به رهایی می‌رسد.

خطرناک‌ترین مسابقه سوارکاری

در آخر کتاب «دختری که سوار باد شد» ترجمه‌ای از داستان واقعی پالیو و تاریخ مسابقات آمده است: «پالیوی باستانی روی زمین آجری پیازا برگزار می‌شد. آن موقع زمین را با خاک یا دیوارها را با نشک نمی‌پوشاندند، بنا بر این وقتی سوارکارها و اسب‌هایشان به دیوار برخورد می‌کردند و می‌افتادند، آسیب می‌دیدند.

چهارصد سال بعد اصلاحاتی انجام شد، اما رقابت بین ۱۷ محله هنوز همان شور و حال قبلی را داشت. عداوت خونی بین محله‌های سی‌ینا الهام‌بخش داستان ماریوتو و جانوتسا بود، عشاق نگوین‌بختی که در نهایت داستانشان به اندازه نمایشنامه «ومشو و ژولیت» شکسپیر مشهور شد.

پالیو فقط مسابقه سوارکاری نیست. موضوع مرگ و زندگی است و تنها با شورش و ناآرامی، زلزله و طاعون تعطیل می‌شود. در سال ۱۹۴۰وقتی ایل دوچه علیه بریتانیا و فرانسه اعلان جنگ کرد، پالیو متوع شد و مسابقه تا سال ۱۹۴۵برگزار نشد، ولی در سال ۱۹۴۵ پالیو بی‌نظیری به نام «پالیوی صلح» به مناسبت شکست دشمن برگزار شد.

اسب‌های جدید پالیو آنگلو-عرب هستند و مخصوص مسابقه پالیو تربیت می‌شوند. آنها بسیار خونگرم‌اند و رابطه عمیقی با فانتیونیسان برقرار می‌کنند که باید بدون زین با آنها سوارکاری کرد. در مسابقه استفاده از شلاق مجاز است، اما برای زدن سوارهای دیگر، هل دادن و مشت و لگد زدن به رقیب هم قانونی و دلیل شهرت جهانی پالیو به عنوان خطرناک‌ترین مسابقه سوارکاری است. در کل تاریخ پالیو، فقط دو فانتیونیوی زن وجود داشته است.»

به مخاطب هم منتقل می‌شود. شخصیت‌های اصلی با نشانه‌هایی پیش روی خود روبه‌رو می‌شوند، این نشانه‌ها آنها را دچار شک می‌کند که شاید مرگ پدران‌شان به مرگ طبیعی نویسنده باشد. داستان با زیرمایه‌هایی از تاریکی، سکوت و نگاه‌های پنهان ادامه پیدا می‌کند؛ انگار کسی یا چیزی در پشت ماجرا حضور دارد که هنوز دستش رو نشده



بازگشت به اعماق

مجموعه سه جلدی

- نویسنده: **سجاد خالقی**
- انتشارات: **قدیانی**
- تعداد صفحات: **۴۷۲ صفحه**
- قیمت: **۶۵۰۰۰۰ تومان**

باشد. «چه کسی در تاریکی ایستاده؟» ناشناخته بودن حقیقت را فریاد می‌زند، چرا که شخصیت‌ها حس می‌کنند فرد یا حقیقتی وجود دارد که هنوز دیده نمی‌شود، اما سایه‌اش روی زندگی آنها افتاده است و دست از سر آنها برنمی‌دارد. در این مجلد، سجاد دوم رمان با عنوان «چه کسی در تاریکی ایستاده؟» فضای رازآلود داستان را پررنگ‌تر می‌کند، بعد از شوک اولیه مرگ‌ها، سوگواری و دلنگسی، قصه وارد مرحله جدیدی می‌شود که ابهام و سوءظن در ذهن شخصیت‌ها بیش از پیش شکل می‌گیرد. در این جلد، روایت بیشتر روی احساس ناامنی و تردید آنها تمرکز دارد، حسی که می‌کشد، اما بخش دوم با سؤال‌ها

تا پایان همراه داستان بماند و صفحه‌به‌صفحه ورق بزند تا به کشف حقایق نزدیک‌تر شود. ریتم داستان در بعضی بخش‌ها کندتر از معمول بزرگی داشتند و غذغذهای ذهنی بسیاری در ذهن خود می‌پروراند، که هیچ‌گاه درباره‌اش صحبت نکرده و آنها حتی روحشان از آن باخبر نبوده است. سرنوشت این دو پدِر به شکلی به هم گره خورده که کشف علت مرگ یکی از آنها، راهی برای باز کردن گره مرگ دیگری می‌شود.

روایت به‌طور مداوم بین زمان حال یعنی دوره سوگواری و کشف حقیقت در زمان گذشته یا دوران زندگی پدران در رفت‌وآمد است. نویسنده با روایت این داستان سعی دارد بگوید تصمیمات اشتباه، پنهان‌کاری‌ها و فشارهای اجتماعی می‌توانند عواقبی پرچالش را داشته باشند، اما این رمان معمایی بیشتر جنبه روان‌شناختی دارد.

رویارویی با حافظه و وجدان

جلد اول کتاب با عنوان «مرگ عجیب دو پدِر» به معرفی شخصیت‌ها، فضای خانواده‌ها و مواجهه آنها با مرگ عزیزشان و وقوع مرگ دو پدِر می‌پردازد. در این بخش حس ابهام در ذهن خواننده شکل می‌گیرد که علت مرگ این پدران چه بوده و در پی پرده داستان چه اتفاقی رخ داده است. در ادامه فرزندان و اطرفیان به مرور گذشته مشغول شده و خاطرات، روابط قدیمی و نشانه‌هایی را که پنهان مانده‌اند، بررسی می‌کنند تا به درک بهتر این ماجرای رموز برسند.

جلد دوم رمان با عنوان «چه کسی در تاریکی ایستاده؟» فضای رازآلود داستان را پررنگ‌تر می‌کند، بعد از شوک اولیه مرگ‌ها، سوگواری و دلنگسی، قصه وارد مرحله جدیدی می‌شود که ابهام و سوءظن در ذهن شخصیت‌ها بیش از پیش شکل می‌گیرد. در این جلد، روایت بیشتر روی احساس ناامنی و تردید آنها تمرکز دارد، حسی که می‌شود خواننده برای فهم حقیقت

در این میان دوستی خوبی هم بین این دو نوجوان شکل می‌گیرد، از آن رفاقت‌های ناب سنین نوجوانی. آنها متوجه می‌شوند پدران‌شان هدف بزرگی داشتند و غذغذهای ذهنی بسیاری در ذهن خود می‌پروراند، که هیچ‌گاه درباره‌اش صحبت نکرده و آنها حتی روحشان از آن باخبر نبوده است. سرنوشت این دو پدِر به شکلی به هم گره خورده که کشف علت مرگ یکی از آنها، راهی برای باز کردن گره مرگ دیگری می‌شود.

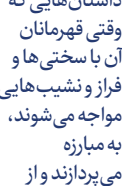
روایت به‌طور مداوم بین زمان حال یعنی دوره سوگواری و کشف حقیقت در زمان گذشته یا دوران زندگی پدران در رفت‌وآمد است. نویسنده با روایت این داستان سعی دارد بگوید تصمیمات اشتباه، پنهان‌کاری‌ها و فشارهای اجتماعی می‌توانند عواقبی پرچالش را داشته باشند، اما این رمان معمایی بیشتر جنبه روان‌شناختی دارد.

روایت به‌طور مداوم بین زمان حال یعنی دوره سوگواری و کشف حقیقت در زمان گذشته یا دوران زندگی پدران در رفت‌وآمد است. نویسنده با روایت این داستان سعی دارد بگوید تصمیمات اشتباه، پنهان‌کاری‌ها و فشارهای اجتماعی می‌توانند عواقبی پرچالش را داشته باشند، اما این رمان معمایی بیشتر جنبه روان‌شناختی دارد.

مهم‌ترین قوت این مجموعه سه جلدی «بازگشت به اعماق»، فضای رازآلود، معمایی و تعلیق تدریجی آن است، چرا که نویسنده با زیرکی و قلمی روان، اطلاعات را آهسته و مرحله‌به‌مرحله به مخاطب خود می‌دهد و هیچ عجله‌ای برای گره‌گشایی ندارد، همین باعث می‌شود خواننده برای فهم حقیقت



نوجوانان معمولاً پرهیجان، رازآلود و پراز تعقیب‌وگریز علاقه دارند، اما این ویژگی‌ها در آثار نویسندگان ایرانی کمتر دیده می‌شود. «بازگشت به اعماق» از آن دسته کتاب‌هایی است که مورد توجه نوجوانان قرار می‌گیرد



نوجوانان معمولاً پرهیجان، رازآلود و پراز تعقیب‌وگریز علاقه دارند، اما این ویژگی‌ها در آثار نویسندگان ایرانی کمتر دیده می‌شود. «بازگشت به اعماق» از آن دسته کتاب‌هایی است که مورد توجه نوجوانان قرار می‌گیرد

